

زایشی پردرد اما نویدبخش

کامران امین آوه



بار دیگر از فلک پران شوم
آنچه اندر وهم ناید آن شوم
مولوی

حمله مشترک ارتش عراق، حشد شعبی و سپاه پاسداران با خیانت و همراهی بخشی از نیروهای اتحادیه میهنی کردستان در روز دوشنبه، ۱۶ اکتبر امسال به شهر کرکوک، به زایش مسالمت‌آمیز جمهوری کردستان آسیب و زیان جدی رسانده، روند به انجام رسیدن آنرا به تعویق انداخت. این یورش و عقب نشینی مقطعی نیروهای پیشمرگ، عدم انجام حملات تلافی‌جویانه آنان برای تصرف مجدد نقاط اشغال شده به دلایلی چند، از جمله پیشگیری از جنگ داخلی، کشتار و خونریزی و ویرانی این نقاط و تلاش برای یافتن راه‌های مسالمت‌آمیز حل مساله کرد در این کشور میباشد.

درهم شکستن حمله نیروهای حشد شعبی در منطقه پردی، مخمور، زومماو و ربیعه و کشته شدن بیش از ۱۵۰ نفر از اعضای حشد شعبی، از جمله ۱۸ ایرانی وابسته به سپاه پاسداران ایران نشان‌دهنده توانایی جنگی پیشمرگه‌های کرد برای مقابله با این نیروها و در صورت لزوم حمله گسترده برای بازپس گرفتن نقاط مورد مناقشه از نیروهای ارتش عراق و ایران است.

نیروهای حاکم در اقلیم کردستان از هنگام طرح همه‌پرسی استقلال تاکنون پافشاری به حل مسالمت‌آمیز و مدنی مساله کرد کرده‌اند، اما آزمون بیش از ۲۰ سال شرکت کردها در حکومت به اصطلاح فدرال عراق که

عملا تحت هژمونی ایران بوده و هست، نشان میدهد که این نوع تلاش‌ها با توجه به ماهیت و ترکیب نیروهای سیاسی حاکم در بغداد و وابستگی شدید آنها به ایران سالهاست به شکست منجر شده، امکان رسیدن به هرگونه تفاهمی در سطح این کشور بسیار اندک یا بهتر است گفته شود تقریباً ناممکن است.

حمله ناموفق لشکر دجله در هنگام زمامداری نوری مالکی و یورش اخیر ارتش عراق با همراهی حشد شعبی و سپاه پاسداران ایران به کردستان منجر به تخریب و به آتش کشیدن نقاط مسکونی، غارت و ویرانی منازل و مدارس، کشته شدن شهروندان مدنی و غیر مسلح، تجاوز به زنان کرد، به پایین کشیدن و آتش زدن پرچم کردستان، آواره شدن بیش از ۱۶۹ هزار نفر از ساکنین کرکوک، خانقین، پردی، زومماو، ربیعه و پناه بردن آنها به سلیمانی و اربیل و دهوک شده است. تنگتر کردن دامنه محاصره اقتصادی و بستن راه‌های هوایی (برخلاف معاهده شیکاگو - سال ۱۹۴۴) و مرزهای زمینی اقلیم کردستان نشان‌دهنده کین و نفرت دیرینه‌ی حاکمان بغداد، این وارثان خونی رژیم‌های پیشین از کردهایی است که از زمان تشکیل دولت عراق برای رسیدن به کیان و دولت ملی خود تلاش می‌ورزند.

در این میان، حکومت اسلامی ایران برای حفظ موقعیت استراتژیک خود در این کشور و نقش مهم و تعیین کننده اقلیم کردستان در حیات سیاسی این منطقه، نقشی بسیار مخربی ایفا می‌کند. ایجاد کشور کردستان در مرز کشورهایی که خود از جمله سرکوبگران تاریخی جنبش‌های رهایی‌بخش کرد و تمامی نیروهای آزادیخواه و چپ این کشورها هستند بدون شک به تقویت مبارزه ملی کردها منجر خواهد شد، و از سوی دیگر، با ایجاد سدی در حد فاصل ایران و بخش شیعه نشین عراق و جلوگیری از ایجاد خط هلال شیعه ایران - سوریه به منافع استیلاگرانه حکومت اسلامی در منطقه آسیب خواهد رساند. امری که برای حاکمان اسلامی ایران نمیتواند قابل قبول باشد.

بی جهت نیست که بازتاب اشغال مناطق مورد مناقشه کردستان عراق با استقبال شگفت‌انگیز نشریات و محافل حاکم ایران مواجه شده، پیروزی در این جنگ تحت رهبری و درایت "مقام رهبری و سردار سلیمانی" چون افتخاری بزرگ برای حاکمان اسلامی در جهت جلوگیری از استقلال کردستان و تشکیل "اسرائیل دوم" قلمداد شده است.

همزمان افرادی که از همان آغاز طرح همه‌پرسی استقلال، کین و عداوت خود را در رسانه‌های مختلف عراقی و ایرانی پنهان نمی‌کردند، عقب‌نشینی مقطعی کردها را دستاویز حملات جدید و بی محابای خود به اقلیم کردستان و طرفداران همه‌پرسی که اکثریت قاطع مردم و احزاب آن را شامل میشود کرده، آن را دال بر تائید نظرات خود می‌شمارند، و آگاهانه به قلب وقایع پرداخته، همراه با دشمنان دیرین کرد و در جامه "دایه مهربانتر از مادر" در جبهه دشمنان آزادی و استقلال کردستان قرار گرفته، به توجیه اعمال خیانت آمیز محافلی از اتحادیه میهنی کردستان می‌پردازند که نه تنها به ملت خود بلکه به حزب‌شان نیز خیانت کرده، بدور از اطلاع رهبری این سازمان و بر اساس منافع شخصی و فامیلی خود پیشقراول نیروهای سرکوبگر عراقی شدند. این افراد با اعتراض و نفرت همگانی مردم اقلیم کردستان و همچنین رهبری و کادرهای اتحادیه میهنی کردستان و سایر احزاب کردستانی

روبرو شده، در تاریخ جنبش رهاییبخش کردستان از آنان و حامیان کردستانی و خارجی آنان هیچگاه به نیکی یاد نخواهد شد.

آنهايي که انجام همه‌پرسی استقلال کردستان را چون پيراهن عثمان و دليلی برای لشکرکشی بغداد به کردستان علم کرده‌اند گویی فراموش کرده‌اند که بر اساس تمامی شواهد و فاكت‌های موجود، دولت عراق و اربابان ایرانی آن، از مدتها پیش و بویژه از هنگامی که در پی تصرف موصل و آزادسازی نقاط تحت اشغال داعش برآمده بودند در پی حمله و پیشروی بسوی اقلیم کردستان و دستیابی مجدد به نقاط مورد مناقشه و بویژه چاه‌های نفت کرکوک بودند. حتا نماینده جنبش "تغییر" که از نیروهای اپوزیسیون دولت اقلیم کردستان میباشد از جمله کسانی است که بلافاصله پس از اشغال این شهر توسط نیروهای عراقی و ایرانی در کرکوک اذعان داشت که حمله بغداد هیچ ربطی به همه‌پرسی استقلال نداشته، و این حمله مدتها پیش از آن طرح ریزی شده بود. در واقع تصرف موصل و مناطق محوری کرکوک موقعیت مناسبی را برای حمله عراق به اقلیم کردستان فراهم نمود. از سوی دیگر انجام همه‌پرسی استقلال کردستان که بر اساس تمامی موازین و اصول دموکراتیک و مدنی و پشتیبانی گسترده مردم این اقلیم و مناطق مورد مناقشه که بخش قابل توجهی از ساکنین آن را ترکمن‌ها و عربها تشکیل میدهند، انجام شد خواستی انسانی، آشتی‌جویانه و متمدنانه بود که بسان تلاش استقلال‌طلبان کاتولینای اسپانیا با برخورد خصمانه دولت مرکزی مواجه شد. استقلال‌طلبان کرد از همان آغاز همه‌پرسی و بعد از انجام آن در پی یافتن راه حل مسالمت‌آمیز برای پایان دادن به اختلافات خود با بغداد برآمده، تقاضای مذاکره با مرکز نمودند، امری که با تهدید، محاصره اقتصادی - نظامی و در نهایت با حمله نظامی مواجه شد. اکنون دولت اقلیم کردستان مجدداً با تعلیق نتیجه همه‌پرسی استقلال حس نیت خود را برای انجام مذاکره و حل مسالمت‌آمیز موارد مورد اختلاف نشان داده است. بدون شک پافشاری بغداد به ادامه یورش و حملات لشکری و کشتن افراد غیر نظامی و مدنی، به آتش کشیدن و تخریب مناطق مسکونی و ... میتواند کشور را بسوی یک جنگ خونین داخلی سوق دهد، امری که در نهایت به نفع بغداد نیز تمام نخواهد شد. از هنگام حمله نیروهای مشترک عراقی و حکومت اسلامی ایران جهانیان شاهد صبر و خونسردی و تحمل کردهای عراق هستند، از سوی دیگر افکار عمومی جهان و دولت‌های اروپایی و آمریکا در نهایت نمیتوانند نسبت به اعمال دولت عراق و انفال جدید مردم کرد و نقش استیلاگرانه ایران در این منطقه ساکت بمانند. ادامه سیاست‌های خصمانه و تنش آفرین بغداد و همراهی ایران و ترکیه با آن، تحت فشار قرار دادن کردها و سرکوب آنها بی‌گمان به برگشت ورق‌های سیاسی در سطح داخل کردستان و خارج از آن و به نفع اقلیم کردستان منجر خواهد شد.

گرت چونوح نبی صبر هست به رغم طوفان بلا بگردد و کام هزار ساله برآید

بدون شک رهبری اقلیم بویژه در یک دهه گذشته با انتقادات بسیار و مشکلات فراوانی مواجه بوده است. اختلافات حزبی و تلاش‌های انحصارگرانه، فساد اداری و اقتصادی، نبود صف واحد پیشمرگه و تاثیر احزاب در واحدهای نظامی اقلیم، از جمله مواردی است که همواره مورد انتقاد احزاب کردستانی و از جمله حزب کمونیست کردستان قرار گرفته است. مبارزه طبقاتی و اجتماعی در اقلیم کردستان از مواردی بوده است که

چپ‌های کردستان همواره بر آن تاکید ورزیده، همزمان آن را سدی در مقابل جنبش استقلال‌طلبانه کردستان ندانسته‌اند. برای نمونه حزب شیوعی (کمونیست) کردستان علیرغم مبارزه با نئولیبرالیسم حاکم در دولت کردستان همواره از حق تعیین سرنوشت مردم کردستان و استقلال آن دفاع کرده، در جبهه دفاع از همه‌پرسی استقلال قرار داشته است. این حزب تشکیل دولت ملی متحد، دفاع از آزادی، حقوق بشر و دفاع از منافع کارگران و دهقانان و زحمتکشان را جزو برنامه اصلی خود عنوان کرده است. احزاب چپ دیگر، چون حزب زحمتکشان کردستان و حتا حزب کمونیست کارگری کردستان نیز علیرغم داشتن انتقاد از رهبری حاکم، در جبهه دفاع از همه‌پرسی قرار گرفته‌اند. بیانیه ۳۲ حزب و گروه کردستانی بعد از اشغال ۵۱ درصد خاک کردستان توسط ارتش عراق، داعش‌های حشد شعبی عراقی و ایرانی، در دفاع از همه‌پرسی استقلال و وحدت احزاب کردستانی و همبستگی ملی از گام‌های درخور توجه و ارزنده این نیروها است. با این حال جای آن دارد که از سوی نیروهای کردستانی ضمن آسیب‌شناسی رویدادهای گذشته، گام‌های جدی برای همبستگی بیشتر مردم، هماهنگی و کار مشترک احزاب کردستانی، کارا کردن پارلمان کردستان، تقویت و هماهنگی نیروهای پیشمرگ، تغییرات جدی در ستروکتور حکومت اقلیم، دمکراتیزه کردن هر چه بیشتر جامعه و شرکت دادن بیشتر مردم در تحولات جامعه برداشته شود.

راه رسیدن به استقلال کردستان راهی است پرفراز و نشیب و همراه با پیروزیها و شکست‌های مقطعی. به یقین این زایش دیر یا زود هر چند با درد پا بعرصه واقع گذاشته، صلح و آرامش را برای مردمی به ارمغان خواهد آورد که سالیان سال با کشتارهای جمعی و جنگ‌های بی پایان مواجه بوده، بهترین فرزندان خود را فدای رسیدن به جامعه‌ای آزاد و فارغ از ستم ملی و طبقاتی کرده است. گرچه امروز سپاه دشمن فریب کار و بی رحم است و از تمام شیوه‌های غیر انسانی برای درهم شکستن آن سود میجوید. اما به قول حافظ:

”دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت
دایما یک سان نباشد حال دوران غم مخور
در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور
گر چه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید
هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور”